

به نام خداوند جان و خرد



تارنمای هخامنشیان

www.hakhamaneshian.ir

هزاران سال پیش در ایران زمین نیاکان ما آیین ها و جشنهای بسیار زیبا یی برگزار می کردند که هر کدام ویژگیهای خود را دارا بود. برای نمونه هر روز از هر ماه نام ویژه خود را داشت مانند: اورمزد ، بهمن ، اردیبهشت ، شهریور و... که هرگاه نام این روزها با نام همان ماه برخورد می کرد آن روز را جشن می گرفتند، و بدین گونه هر ماه یک جشن و هر هفته نیز جشن آدینه (جمعه) برگزار می شد چرا که نیاکان ما شاد زیستن را، راه خوشبختی می دانستند.

در ایران باستان ، هر ماه سی روزه بود و در پایان اسفند ، پنج روز پایانی سال را پنجه برگزار میکردند، و بدین گونه هر سال سیسد (صد) و شست و پنج روز می شد. در گاه شمار کنونی پنج روز واپسین به ماه های دیگر داده شده و به همین شوند (دلیل) برخی از جشن ها در گاه شمار نوین جابجا شده اند ، مانند جشن بهمنگان که در بیستو شش دی ماه ، و جشن سپندارمذگان که در بیست و نهم بهمن ماه برگزار می شود.

جشن شب چله همایون باد

در دوران کهن، شب نماد تاریکی و تباهی بوده و تلاش بر آن بوده که شب هنگام با افروختن آتش و افزودن نور، خانه روشن باشد. تا پلیدی و تباهی در آن راه نیابد. همچنین چله شب رستاخیز(انقلاب) زمستانی می باشد که گرفتن جشن در این شب نشان از گرمی داشت پدیده های گاه شماری و ستاره شناسی نزد ایرانیان باستان می باشد.

پیوند جشن شب چله (که به نادرست یلدا گفته می شود) با آیین مهر(میتراایسم)

واژه " یلدا " که یک واژه سریانی است به نادرست جایگزین چله شده، از دفترها و نوشته های کهن این گونه برمی آید که چله شب زاد روز و آفرینش ایزد مهر یا میترا است. امشاسپند (فرشته ای) که در کیش مهر، آیینی ایرانی و کهن گرمی داشته می شده و در کشورهای خاور و باختر(شرق و غرب) پرستش و در دین مزد یسنا (یگانه پرستی) که اکنون زرتشتی خوانده می شود نیز این امشاسپند گرمی داشته می شود و بیشتر آیینهای دین مسیحیت همان آیین های کیش مهر می باشد که بر جای مانده و رد پای آن در دین و آیین کشورهای خاور(شرق) نیز دیده می شود.

در برخی دفترهای کهن آمده است که پس از مسیحی شدن رومیان (که پیش از آن مهر پرست بودند)، ۳۰۰ سال پس از زایش عیسی مسیح، کلیسا جشن زایش مهر(جشن شب چله) را به عنوان زاد روز عیسی پذیرفت، زیرا زمان درست زاد روز وی در دست نبود. و این گونه است که شب چله که یک جشن آریایی و ایرانی است با زایش عیسی مسیح برابر شده است. هنگامی که کیش مهر از تمدن ایران باستان به کشورهای دیگر جهان روانه شد در روم و بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی روز ۲۱ دسامبر به پاس داشت زاد روز میترا(فرشته مهر) جشن گرفته می شد ولی پس از سده(قرن) چهارم میلادی در پی اشتباه و کاستی در گاه شماری (تقویم) مسیحان، این روز به ۲۵ دسامبر جابجا شد و از سوی مسیحیان به نام روز کریسمس جشن گرفته شد. از این روست که تا امروز بابا نوئل با لباس و کلاه موبدان نمایان می شود و درخت سرو و ستاره بالای آن هم یادگاری از آیین مهر زرتشتیان و ایرانیان است.

نزد ایرانیان، زمستان به دو چله کوچک و بزرگ بخش می شود. چله بزرگ از اول دیماه تا ۱۰ بهمن ماه را در بر می گیرد و از ۱۰ بهمن به بعد را چله کوچک می گویند. جشن چله، شب نخست چله بزرگ است.

آیین های جشن شب چله

بازگویی گذشته ها و داستان گویی پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها نیز از آیین هایی است که شب چله را برای خانواده ایرانی دلپذیرتر می کند. اما همه این ها ترفندهایی است تا خانواده ها گرد یکدیگر آیند و بلندترین شب سال را با شادی و خرسندی به سپیده برسانند. يك آیین دیرین که همچنان در میان همه خانواده های ایرانی پا بر جاست، شاهنامه خوانی و حافظ خوانی در شب چله است. در میان خوردن میوه و آجیل رنگارنگ، شاه نامه، این جاودانه دفتر سروده های پارسی فردوسی بزرگوار و دیوان حافظ شیراز به میان می آید. بزرگ خاندان یا آنکه سروده های فردوسی و حافظ را بهتر می خواند دیوان ها را می گشاید، حافظ یکی از آن چکامه های (اشعار) نابش را هدیه می کند. و فرزانه توس نیز از شهریاران و پهلوانان خردمند و نیک منش ایران زمین و جان فشانی شان در راه این کهن دیار و سربلندی ایرانیان و فرهنگ با لنده مان چامه ناب می سراید و ما را به ایرانی راستین بودن فرا می خواند.

سفره شب چله

این سفره که کما بیش به سفره هفت‌سین نوروز می‌ماند، در اتاق گسترده می‌شود، یکی دو لاله و چند شمع زیبا و نگین در آن گذاشته و روشن می‌کنند. در کنار آن، در آتش دانی زیبا کمی اسپند یا عود می‌گذارند و روی آن را آتش می‌ریزند تا بوی آن در اتاق بپیچد. از میوه‌ها انار، پرتقال، نارنگی به ویژه هندوانه باید در سفره باشد.

از آجیل‌ها نخودچی، کشمش، شیرین (حلوا) ارده، آجیل بخت (مشکل) گکشا، رنگینک و ارده شیره خرما نیز در سفره گذاشته می‌شود از میوه‌های تازه مانند هندوانه، انار، انگور، سیب، گلابی، خرمالو و خربزه و به، میوه‌های خشک مانند برگه زردآلو، برگه هلو، انجیر خشک، سنجد، کشمش و آجیل شامل مغز گردو و بادام، پسته، فندق که در بین زرتشتیان به آن « لُرک » گفته می‌شود.

برخی از مردم ایران خوردن هندوانه در شب چله را بایسته (واجب) می‌دانند و بر این باورند، کسی که در این شب این میوه را بخورد به فرنود (دلیل) ویژگی سرد بودن هندوانه بدنش در مقابل سرمای زمستان نیرومند می‌شود (در دانش امروز پی به فراوانی " ویتامین ث " و آنتی اکسیدان‌ها در هندوانه برده اند که نیرومندی بدن و یاخته‌ها (سلول‌های) آن را در برابر سرما خوردگی افزایش می‌دهد.)

این میوه‌ها هریک بار مینوی (معنایی) نمادین با خود دارد، هندوانه که قاچ‌های گرد می‌خورد چون خورشید، یادآور گرمای تابستان و فرونشاندن عطش است. انار صندوقچه دانه‌های مروارید، سرخ که خود نماد باروری و زایش است.

خوراک شب چله

هر کد بانوی ایرانی در هر جایی به شیوه آیین نیاکان خود برای چله شب می‌پزد. شام چله یکی از خوش خوراک‌ترین خوراک‌های تیره‌های ایرانی است. خوراک ویژه این شب، خورشفت فسنجان است. اما در برخی استانها خوراک‌های دیگری هم پخته می‌شود، در شمال ایران گیلانی‌ها یا سبزی پلو درست می‌کنند یا ترشی تره و در کنار آن بر سر سفره ماهی سفید و یا ماهی دودی می‌گذارند. اما در شیراز خوراک ویژه سفره چله هویج پلو است. شیرازی‌ها برای شب چله سفره شام پربرای پهن می‌کنند و در کنار شام شب چله خوراکی‌های گوناگون این شب را نیز بر سر سفره می‌گذارند.

درخت شب چله

در سده (قرن) هجدهم "نوتران" آلمانی با پیروی از درخت شب چله پارسیان درخت کریسمس را به نماد آذینی (تزئینی) شب زادروز عیسی مسیح آورد. (بالاتر چگونگی گزینش این روز به نام زادروز مسیح گفته شد) در روزگار ایران باستان در شب چله درخت سبزی را آذین می‌بستند که نشانه سبزی همیشگی باشد. یعنی روز زایش و آفرینش خورشید. دختران جوان آرزو می‌کردند و پارچه‌های بافته شده از تار و پود سیمین (نقره ای) را به دور درخت می‌بستند تا به خواسته خود برسند اما این آیین آرام آرام دگرگون شد زیرا مسیحیان و پاپ‌لنو در سده چهارم برای از بین بردن این آیین تلاش کردند و سرانجام پیروز شدند. یهودیان ایرانی ساکن کشورهای دیگر نیز شب چله را در همین هنگام با نام "فستیوال درخت" جشن می‌گیرند و در این شب میوه‌های تازه زمستانه به همراه خوراک باستانی خورده می‌شود.

شب چله در روسیه

شب چله که جشنی ایرانی است در کشور روسیه همسایه شمالی ما نیز گسترش دارد. دکتر «داریوش کیانی هفت لنگ» مدیر سازمان اسناد ملی ایران درباره برگزاری چله در روسیه چنین می گوید:

« این جشن در روسیه نیز از دیر باز، از روزگاری که هنوز مسیحیت به آن جا راه نیافته بود، به مدت ۱۲ روز پر سرور و پر آئین با آداب ویژه ای برگزار می شده است و گویا هنوز هم در میان ده گانان (دهقانان) و روستائیان گسترده است. در روسیه جشن چله، جشن سالانه دهگانان و روستائیان بود. پختن نان شیرینی محلی به گونه آدم و جانوران، بازی های محلی گوناگون، کشت و بذر پاشی به گونه نمادین و باز سازی آیین کشت، پوشانیدن روی کلبه با چربی، گذاشتن پوستین روی هره پنجره ها، آویختن پشم از تاق، پاشیدن گندم درون سرا (حیاط)، ترانه خوانی و پایکوبی و آواز و مهم تر از همه قربانی کردن جانوران از آیین های ویژه این جشن در روسیه بوده و هست... یکی دیگر از آیین های شب های جشن در روسیه، فالگیری بود و پیشگویی رویدادهای احتمالی سال آینده. همین آیین ها در روستاهای ایران نیز کم و بیش به چشم می خوردند که نشان از همانندی جشن چله در ایران و روسیه دارند.»

جشنها در گاهشماری کنونی

فروردین: ۱ فروردین (نوروز)، ۱۳ فروردین (جشن سیزده)، ۱۹ فروردین (فروردینگان).
اردیبهشت: ۲ اردیبهشت (اردیبهشتگان).
خرداد: ۴ خرداد (خوردادگان).
تیر: ۱۰ تیر (تیرگان).
امرداد: ۳ امرداد (امردادگان)، ۳۰ امرداد (شهریورگان).
شهریور: -----
مهر: ۱۰ مهر (مهرگان).
آبان: ۴ آبان (آبانگان).
آذر: ۳ آذر (آذرگان)، ۲۵ آذر (دیگان)، ۳۰ آذر (جشن شب چله).
دی: ۲ دی، ۹ دی، ۱۷ دی (دیگان)، ۲۶ دی (بهمنگان).
بهمن: ۱۰ بهمن (جشن سده)، ۲۹ بهمن (اسفندگان"سپندارمذگان").
اسفند: پنج روز پایانی (پنجه)، ۲۷ اسفند (چهارشنبه سوری).

پایگاه پژوهشی هخامنشیان www.hakhamaneshian.ir

www.ashkanian.ir

www.sasanian.ir

